**( 112 )**

**هو الله**

ای سرمست جام پیمانه پیمان نامه‌ئی که بنام جناب حاجی سید جواد مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید مختصر مآل اینکه در امور تجارت حضرت سمندر خللی عارض و یاران قزوین چنین رأی زدند که تفریق بین الفریقین گردد ولی این خرق التیام نیابد بلکه بنظر چنین آید که کار مشکلتر گردد و عقده محکمتر شود انتهی ای ثابت نابت حضرت سمندر فی‌الحقیقه مهر پرورند و بقدر امکان طالب التیام مگر آنکه اسباب چنین فراهم آید که از عهده برنیایند و جناب آقا علی نیز نهایت همت را در حسن التیام داشته و دارند و آرزوی بقای وحدت تجارت داشتند و قصور و فتوری نخواستند ولی کار مشکل شد پس باید یاران الهی چه در رشت و چه در قزوین برأی رزین و فکر دوربین در این قضیه تدبیری نمایند که این خرق التیام یابد و این قضیه را اهتمام دهند رائی زنند و مشورتی نمایند و بهر وسیله که باشد اسبابی فراهم آرند که حضرت سمندر و آقا علی را راحتی حاصل گردد و از تشتت امور فراغتی حاصل شود زیرا آن قلب پاک حیف است که در تشویش دیون و اضطراب ماند یاران باید در چنین موقعی قوت خلوص و حسن آراء و فوائد شور بنمایند و بکمال روح و ریحان بتأیید حضرت یزدان تمشیت امور یکدیگر دهند تا هر پاک جانی از شدت زحمات و ورطه مشقات نجات یابد و علیک التحیة و الثنآء (ع ع)